به نام خداوند جان و خرد

تاریخ :15/04/1399

ریاست محترم شعب تجدید نظر دیوان عدالت اداری جمهوری اسلامی ایران

« موضوع : لایحه ی اعتراضی نسبت به دادنامه شماره................... در پرونده به شماره ........................ صادره از شعبه ..... دیوان عدالت اداری »

بادرود و تقدیم ادب

احتراماً

اینجانب ............... فرزند ....... نسبت به دادنامه ی شماره .............. صادره از شعبه .... دیوان عدالت اداری در پرونده به شماره ............ معترض می باشم و در جهت نقض رای صادره لایحه اعتراضی خویش را به شرح ذیل ، مکتوب و آماده نموده ام که از شما والامقام در درجه اول استدعای بذل عنایت به لایحه تقدیمی و سپس نقضِ رای معترض عنه را خواهانم که موجب سپاس فراوان می باشد .

**مختصر ماجرا ؛**

اینجانب احد از وراث مرحوم ..............میباشم مرحوم پدرم (به موجب عقد اجاره نامه مورخه 1338 ) به مدت بیش از ۶۰ سال است که مالک عین (گلخانه و مغازه و خانه) و منفعتِ ملک مزبور که به صورت گلخانه است بوده و هم اکنون ما وراث می باشیم و شهرداری محترم منطقه ....  نیز مستندا به نامه های عوارض کسب و پیشه و پسماند هر ساله از مرحوم پدر و متعاقبا اینجانبان وراث عوارض اخذ می نموده است . متاسفانه و  در کمال تعجب اخیراً کمیسیون محترم ماده ۱۰۰ شهرداری تهران ( منطقه.... ) اقدام به صدور رای مبنی بر تخریب و قلع و قمعِ مستحدثاتِ اینجانبان نموده و پس از اعتراض اینجانب نسبت به رای کمیسیون مذبور و ثبت در شعبه ...... دیوان عدالت اداری قاضی محترم صادر کننده رای به دلایل اینجانب توجه ننموده است و آراء کمیسیون های ماده 100 قانون شهرداری را تایید نموده است که رأی صادره صحیح نمی باشد :

**علی ایحال اینجانب دلایل نقض رای صادره را  به شرح ذیل خدمت شما والا مقام معروض میدارم :**

1. همانطور که شما والا مقام مستحضرید و متاسفانه قاضی محترم شعبه .... دیوان عدالت اداری بدان هیچ توجه ای ننموده بودند بحث قدمت ساختمان و عدم توجه به قدمت آن میباشد که متاسفانه حکم به تخریب صادره شده در صورتی که صحیح نمی باشد زیرا ؛

**اول اینکه ؛** اعیان مزبور و مستحدثات همگی مربوط به سال ۱۳3۸ و با قدمت بیش از شصت سال می باشد و تمام این مستحدثات مربوط به آن سال هاست و دلایلی که اثبات می کند اعیان مزبور مربوط به آن سالها میباشد به شرح ذیل است ؛

* . عدم توجه قاضی محترم به اجاره‌نامه ، که به خوبی ثابت می نماید تمامی اعیان و مستحدثات ( اعم از گلخانه ، مغازه و ... ) در سال 1338 به ‌موجب اجاره سرقفلی به پدرم منتقل شده است .(پیوست شماره 1)
* .قاضی محترم صادر کننده رای به فیش های صادره از اداره برق که با تدقیق در آن ، مشخص می گردد که تاریخ نصب اولیه کنتور و همچنین تاریخ آخرین تعویض مربوط به تاریخ 7/01/1350 و مالا مربوط به سال های قبل از 1350 می باشد .( پیوست شماره 2)
* . برگه عوارض کسب و پیشه در چندین نوبت و در چندین برگ که همه آنها به موجب لایحه پیوستی تقدیم حضورتان می گردد . که به خوبی مشخص است که ؛ شهرداری محترم نیز صورتحساب عوارض کسب و پیشه و همچنین پسماند را از سال ۱۳۷۴ تا تاریخ 29/12/1397 صادر نموده و بنده نیز آن را پرداخت نمودم ، و این نکته قابل توجه است که چرا شهرداری محترم در ایام مذکور هیچگاه در این قضیه ورود نمی نموده است و این اثبات می نماید که قدمت بیش از 60 سال مستحدثات در نزد شهرداری تهران محرز گردیده است اما بی دلیل حکم به تخریب صادر شده و عجبا که قاضی محترم نیز بدان توجهی ننمودند .
* . بنده از قاضی محترم صادره کننده رای ارجاع امر به کارشناس خبره دادگستری مبنی بر اثبات اینکه تمامی مستحدثات و اعیان دارای قدمتی 60 ساله است را نمودم اما ایشان موضوع را به کارشناسی ارجاع ندادند که این نیز از موارد نقض رای صادره میباشد .
* . عدم استماع شهادتِ شهود از اهالی محل و کسبه توسط قاضی محترم صادر کننده رای که این نیز از دلایل نقض دادنامه میباشد .

**دوم اینکه ؛** مستندا به رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه 42 – مورخه 25/2/1378 که اشعار میدارد : "**با عنایت به ماده 100 قانون شهرداری ها و تبصره های آن و اصول و قواعد حاکم بر کیفیت رسیدگی به ادای تخلفات ساختمانی در کمیسیون های بدوی و تجدید نظر ماده 100 قانون شهرداری ، لزوم تحقیق پیرامون محل و موقعیت ملک از حیث تشخیص قدمت ساختمان موافق اصول و موازین قانونی می باشد "** در نتیجه با توجه به رای مذکور این نکته نشان میدهد که کمیسیون های محترم ماده 100 قانون شهرداری و قاضی محترم صادر کننده رای معترض عنه ، تحقیقات جامع و کاملی انجام نداده اند و علی رغم دلایل ودرخواست های بنده (اعم از اجاره نامه، ارجاع امر به کارشناس رسمی دادگستری و استماع شهادت شهود و ...) جمع آوری مستحدثات با قدمت بیش از 60 سال ، بسیار سنگین و ناعادلانه است .

**سوم اینکه ؛**  وفق تبصره  ۸ از ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها به خصوص قسمت اخیرِ تبصره مذکور که اشعار می دارد : « در مورد ساختمان هایی که قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر ایجاد شده در صورتی که اضافه بنای جدیدی حادث نگردیده باشد ، مدارک و اسناد ، نشان‌دهنده ایجاد قبل از سال تصویب طرح جامع شهری باشد » مشمول تخریب یا قلع و جمع آوری نمی باشد  ودر نتیجه به خوبی نشان می دهد که با توجه به قدمت مستحدثات و اعیان که دارای قدمتی 60 ساله می باشد ، کمیسیون مزبور حق صدور چنین رایی ، یعنی تخریب را نداشته و ندارد .

**چهارم اینکه ؛** علی رغم قدمت مستحدثات  ، اما مطابق با اصول شهرسازی و فنی و بهداشتی می باشد و صدور چنین حکمی وفق تبصره 1 ماده 100 قانون شهرداری ضرورت نداشته و ندارد .

علی هذا ؛ با عنایت به مراتب فوق از شما عالی مقام استدعای نقض رای معترض عنه و صدور حکم شایسته متمنی است .

**با تجدید احترام**

**.........................**

**مورخه ؛ 16/05/1399**